

استنباطی از مفهوم حیات و

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ!

«ای اهل ایمان، چون خدا و رسول، شما را به ایمان دعوت کنند اجابت کنید تا به حیات ابد رسید*».

چون ما به طور مکرر با حیات و مرگ انسانها سروکار داریم در مورد این مفاهیم با استنباط از معانی آنها در قرآن مجید بحث کوتاهی خواهیم داشت.

کلمه «حی» و «حیات» و مشتقات آن بیش از ۱۷۰ بار و کلمه «موت» و مشتقات آن بیش از ۱۶۰ بار در قرآن مجید ذکر شده است. از آیه فوق‌الذکر چنین استنباط می‌شود که از دیدگاه قرآن مجید انسانهایی که از نظر جسمی زنده‌اند هنوز باید احیاء و زنده شوند تا به زندگی برتر دست یابند. باید دید که آن معیارهای زنده شدن چیست؟ بدین منظور آیه ۲ سوره مبارکه جمعه را مورد توجه قرار می‌دهیم که می‌فرماید: **هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ.** «اوست خدایی که میان عرب امی (یعنی قومی که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت تا بر آنان آیات وحی خدا را تلاوت کند و آنها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک سازد و شریعت و احکام کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد با آن که پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی بودند.»

بدین ترتیب در این آیه شریفه: تلاوت و تفهیم آیات الهی به مردم که موجب ایمان آوردن آنها به صدق آیات گردد تا دست از عقاید شرک و اعمال ناروا بردارند و به اعمال صالح روی آورند و نیز آموختن کتاب و نوشتن، به عنوان رسالت پیامبر عظیم‌الشان اسلام، محمد (ص)، بیان شده است که همان عامل احیاء حیات فرد و جامعه است. از جمله عوامل احیاء زندگی در آیات قرآن مجید این موارد مشخص‌تر است:

۱ - قرائت و درک آیات الهی قرآن مجید و ایمان آوردن بدان و بدین طریق تطهیر شدن از عقاید شرک‌آمیز و بازداشتن آزادانه و آگاهانه خود از اعمال ناروا و خلاف احکام اسلام (عمل به ایمان).

۲ - علم و آگاهی و انتقال آن از طریق بیان و نوشتن که باید همراه و توأم با اهداف الهی برده تا سعادت خلق را در پی داشته باشد (اقرأ باسم ربک).

۳ - اعتقاد به اینکه کلیه اعمال انسان در لوح محفوظ الهی ثبت شده و هر فرد مسئول و جوابگوی اعمال و رفتار خود در زندگی دنیا در پیشگاه الهی و در روز بعث باید باشد.

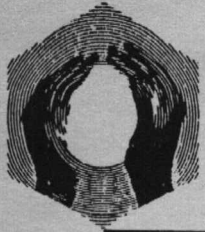
۴ - همه معتقدین به دین مسبین اسلام را برادران و خواهران دینی خود - در حدودی که کتاب الهی قرآن مجید تعیین نموده - دانسته و در مواقع ضروری «فی سبیل الله» با مال و جان خود دفاع نمودن.

۵ - در مسائل و مشکلات اقتصادی جامعه اسلامی روحیه انفاق و کمک داشتن و آگاهی از اینکه دادن قسمتی از حاصل دسترنج خود در راه خیر و به قصد ثواب و سعی در کاهش فقر، نمودی از اعتقاد انسان مسلمان به دستورات الهی بوده و از عوامل مهم بقاء حیات اجتماعی است.

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ.^۱
«آن کسانی که به جهان غیب ایمان آورند و نماز به پای دارند و از هر چه روزیشان کردیم به فقیران انفاق کنند»
۶ - در مسائل غریزی، پیوسته «حدود الله» و تقوای الهی را در نظر داشتن و از آن تجاوز نمودن.

به طور کلی حیات و مرگ در مفهوم قرآنی دو معنای عمومی و اساسی دارد: یکی مرگ و حیات جسمی انسان است و مطابق آیات قرآن مجید به جز خداوند که حی و قیوم دائم و بسی‌انتهاست هیچ موجودی وجود ندارد و که خلق و متولد شود و مرگ برای او وجود نداشته باشد. این موضوعی است که به خود پیامبر (ص) نیز بیان شد که: **إِنَّكَ مَيِّتٌ وَأَنْتُمْ مَيِّتُونَ.**^۲ «شخص تو و همه خلق البته به مرگ از دار دنیا خواهید رفت.»

اما در جای دیگر خطاب به مومنین بیان می‌فرماید: **وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنَّ مَاتَ أَوْ قُتِلَ لَتُغْلِبَنَّ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنُيَضِرَّ اللَّهَ شَيْئًا.**^۳



مرگ انسان در قرآن مجید

دکتر محمود فرهودی دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد

است؟ همان ارزشهای انسانی و پایه و مایه آن معیارهای ارزشی و حیات معنوی انسان نیز در ذات و خمیر مایه وجودی و جسمی انسان چه مرد و چه زن به ودیعه نهاده شده و ادغام گردیده است و اساساً فلسفه خلقت و انسانیت انسان به آن نوع کیفیت و ترکیب وجودی است که در انسان موجود شده است؛ این معنادر سوره مبارکه والشمس آیات ۵ تا ۹ نیز ذکر شده است:

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا قَالَتْ مَآ فُجِّرْتُهَا وَتَقْوِيهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا
وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا.^۶

«و قسم به نفس (ناطقه انسان) و آن که او را نیکو بیافرید و به او شر و خیر را الهام کرد (قسم به این آیات الهی) که هر کس نفس ناطقه خود را از گناه و بدی پاک و منزه سازد به یقین رستگار خواهد بود و هر که او را به کفر و گناه پلید گرداند البته زیانکار خواهد گشت.»

انسان باید استعدادها، خلاقیت و نیروهای درونی وجودش را در امتداد آن معیارهای ارزشی قرار دهد و نگاه دارد و هنگامی نیروهای موجود در جسم انسان مفید و محترم است که در امتداد آن معیارهای ارزشی که خالق هستی تعیین کرده جهت پیدا کند و از حدود و ثغوری که خداوند در قرآن مجید تعیین فرموده تجاوز نکند که در آن حالت، ارزشهای انسانی اش زیر علامت سوال می رود و در صورت انحراف شدید مستحق مجازات الهی نیز می گردد.

حیات و مرگ جسمی هر انسانی بعد از تولد در فاصله زمانی مختلف از روزها و ماهها و تا دهها سال ممکن است طول بکشد اما بالاخره می میرد؛ ولی آیا جسمش هم مجدداً زنده می شود یا نه؟ در مفهوم قرآنی معتقدیم که بلی زنده خواهد شد و در این مورد نص قرآن مجید است که از زبان حضرت ابراهیم بیان می کند که: **وَأُذِ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي.**^۷

«و چون ابراهیم گفت بار پروردگارا به من بنما که چگونه مردگان را زنده خواهی کرد. خداوند فرمود آیا باور نداری؟ گفت آری باور دارم لیکن خواهم تا به مشاهده آن دلم آرام گیرد.» سپس دستور می رسد که ابراهیم، چهار پسرند را ذبح کند و هر تکه ای از آنها را بالای کوهی بگذارد و آنها را فرا خواند تا شتابان به سوی او آیند. و در جواب آنها می گویند: **وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ**

«و محمد (ص) نیست مگر پیغمبری از طرف خدا که پیش از او نیز پیغمبرانی بودند و از این جهان در گذشتند. آیا اگر او نیز به مرگ یا شهادت در گذشت باز شما به دین جاهلیت رجوع خواهید کرد؟ پس هر که مرتد شود به خدا ضرری نخواهد رسانید.»

با درگذشت پیامبر اسلام (ص) مفاهیم و ارزشهایی را که آن پیامبر از طریق وحی به مردم عرضه داشته بقاء و ادامه دارد و اساساً بعثت پیامبر برای بیان و القاء آن ارزشهای پایدار الهی به مردم بوده است و هر کس از مرد و یا زن هر چه بیشتر در امتداد آن معیارهای ارزشی قرار گیرد و بدانها نزدیکتر و متصف شود و جلوه های ایمان به آن حقایق و دستوره های الهی در اعمال و رفتار ظاهری و باطنی او نمودارتر گردد و به سهم خود انعکاس آن نور و ارزش شود بقاء بیشتری می یابد که **إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ.**

بدین ترتیب می یابیم که آن بقاء، بقاء حقوقی و معنوی و شخصیتی انسان است و دوری و نزدیکی به آن نور و بقاء مطلق وابسته به میزان دوری و نزدیکی وجودی و باطنی انسان به محتوای نور مکتوبی است که خداوند ارسال داشته است.

ما معتقدیم که خداوند بار امانتی به انسان داده است و این بار امانت که وجه افتراق انسان با حیوان است همان ارزشهای الهی است که در او به ودیعه نهاده شده و وجود دارد. **إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَنفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا.**

«ما بر آسمانها و زمین و کوههای عالم (و قوای عالی و دانی ممکنات) عرض امانت کردیم (و به آنها نور معرفت و طاعت خود و عشق و محبت کامل حق یا نماز و طهارت یا مقام ولایت و امامت را ارائه دادیم) همه از تحمل آن امتناع ورزیده و اندیشه کردند تا انسان (ناتوان) بپذیرفت و انسان هم (در مقام آزمایش و آداء امانت) بسیار ستمکار و نادان بود (که اکثر به راه جهل و عصبانیت متافت).»

و می دانیم از نظر جسمی در ابعاد اساسی و زیسادی انسان مشترک با موجودات دیگر است؛ حرکت، تغذیه، توالد و تناسل مشترک بین انسان و بسیاری از موجودات است اما چه چیز متفاوت



می‌کنیم.»

آنگاه است که پیرو این دین به سهم خود؛ جلوه نور الهی و درخشش آن بر مبنای استعداد و ظرفیتی که خداوند در وجود او قرار داده است خواهد شد و علاوه بر ایمان و عمل باید با مواعنی که بر سر راه اجرای دستورات الهی است، (عواملی که حریت، عدالت اجتماعی، انفاق، رحمت و محبت بین مسلمین را نفی می‌کنند و اهداف و بینش استشارگران، ذلت بار، بغی و تجاوز به ناحق به مسلمانان دارند) مبارزه کند. علاوه بر این؛ قرائت و درک آیات قرآن مجید و عمل به آن، علم و آگاهی و خلاقیت را موجب شده و پایه‌های استقلال را تحکیم بخشیده و در امور اساسی و تعیین کننده محتاج نبودن به دیگران را سبب می‌گردد.

رعایت حدود الله و تقوی در همه حالات مخصوصاً در بُعد غریزی، احساس مسئولیت و داشتن اراده برای عمل صالح، آزادگی، عدالت‌خواهی و انفاق، مقاومت در برابر دشمنان و ایثارگری از جمله معیارهای ارزشی زندگی مادی و معنوی و تداوم بخشش حیات افتخارآمیز انسانی در بُعد قرآنی است.

پی‌نویسها:

* تمامی ترجمه‌ها از ترجمه قرآن مرحوم مهدی الهی قمشه‌ای انتخاب شده است.

۱ - سوره مبارکه انفال، بخشی از آیه ۲۴.

۲ - سوره مبارکه بقره، آیه ۲.

۳ - سوره مبارکه زمر، آیه ۳۰.

۴ - سوره مبارکه آل عمران، بخشی از آیه ۱۴۳.

۵ - سوره مبارکه احزاب، آیه ۷۲.

۶ - سوره مبارکه شمس آیات ۷ تا ۱۰.

۷ - سوره مبارکه بقره، بخشی از آیه ۲۵۹.

۸ - سوره مبارکه یس، آیه ۷۷.

۹ - پیشین، آیه ۷۸.

۱۰ - پیشین، آیه ۱۱.

۱۱ - سوره مبارکه روم، آیه ۳۰.

۱۲ - سوره مبارکه نحل، آیه ۹۷.

قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ.^۸ «و برای ما مثلی جاهلانه زد که گفت این استخوان‌های پوسیده را باز که زنده می‌کنند؟» جواب داده می‌شود: قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ.^۹ «ای رسول ما! بگو آن خدایی زنده می‌کند که اول بار آنها را حیات بخشیده و او به هر خلقت دانا (و قادر) است.»

نتیجه اعمال انسان بعد از مرگ نیز به حساب او گذاشته می‌شود: إنا نحن نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ.^{۱۰} «ما مردگان را باز زنده می‌گردانیم و کردار گذشته و آثار وجودی آینده‌شان را همه در نامه اعمال آنها ثبت خواهیم کرد و در لوح محفوظ خدا (یا قلب امام خلیفه‌الله) آشکار همه را بشمار آورده ایم.» اما این بعثت مجدد چه وقت است آیا به هزاران و دهها میلیون سال بعد می‌رسد یا نه؟ زمان آن در قرآن مجید مشخص نشده است.

بنابر آنچه گذشت، معیارهای ارزشی حیات معنوی بر فطرت و ذات انسان بنا نهاده شده و با حیات جسمی او ادغام گردیده است اما بدان خاتمه نمی‌یابد و بر مبنای اعتقادی که داریم کتاب فطرت انسان برای همیشه زمان: کتاب الهی، قرآن مجید، است که کاملترین کتاب الهی است. فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.^{۱۱} «پس تو ای رسول (با همه پیروانت) مستقیم روی به جانب آئین پاک

اسلام آور و پیوسته از طریق دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد. این است آیین استوار حق ولیکن اکثر مردم از این حقیقت آگاه نیستند.»

این دین به ما می‌گوید که باید به روز بعث و بازپس دهی حساب معتقد باشیم، به پیامبران الهی و رسالت حضرت محمد (ص) به عنوان خاتم پیامبران و محتوای قرآن که وحی بوده و حق است معتقد باشیم و از آن تبعیت نمائیم و بدانیم هر که باطن و وجدان خود را پیوسته از درون این نور مکتوب الهی بگذراند و جذب و کسب این نور نماید به سعادت دنیا و آخرت و حیات برتر خواهد رسید که: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.^{۱۲} «هر کس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدای بجای آورد ما او را در زندگانی خوش و با سعادت زنده (ابد) می‌گردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیکی که کرده به او عطا